Journal of Rangeland

Print ISSN: 2008-0891

Online ISSN: 2676-5039

Analyzing Structural Characteristics of Social Capital for Landscape-Community Based Management: A Case Study in Ghaleganj County

Ahmad Naderi[1], Maryam Yazdanparast [2], Mehdi Ghorbani[*3], Leila Avazpour[4]

1. Associate Prof., Department of Anthropology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
2. Researcher, Social Business Institute, University of Tehran, Tehran, Iran
3. Corresponding author; Prof., Department of Reclamation of Arid and Mountainous Regions Eng, Faculty of Natural Resources, University of Tehran, Alborz, Iran E-mail: mehghorbani@ut.ac.ir
4. Assistant Prof., Faculty of Governance, University of Tehran, Tehran, Iran.

Article Info

Article type:
Research Full Paper

2024; Vol 18, Issue 1

Article history:
Received: 02.10.2023
Revised: 17.10.2023
Accepted: 19.10.2023

Keywords:
Social Capital, Empowerment, Sustainable Development, Social Network Analysis, Landscape-Community Based Management, Ghaleganj County.

Abstract

Background and objectives: Sustainable rural development necessitates capacity building and social empowerment of local communities. Understanding and enhancing social capital (SC) facilitates participatory planning and program implementation. This study analyzes the structural characteristics of SC in villages of Dastjerd, Dazuk, and Sohrani (Ghaleganj County, Iran) within the framework of landscape-community based management (LCBM). Social network analysis (SNA) was employed in two phases: before and after the implementation of an LCBM empowerment project.

Methodology: SNA was used to assess the project's impact on local community empowerment and SC structure within rural microcredit funds. Four key network indicators were investigated: density, reciprocity, transitivity, and geodesic distance. Data collection utilized structured questionnaires administered to all 262 members of the microcredit funds in the three villages (full network method).

Results: Following the project, the density index increased in all villages for both trust and collaboration ties. The reciprocity index also rose, indicating stronger mutual relationships among members, thereby enhancing SC and enabling participation in local development initiatives. The transitivity index suggests a more stable network structure, improving resilience against economic and environmental challenges. The geodesic distance index revealed increased unity and coordination among stakeholders, potentially facilitating collaborative activities and further empowerment.

Conclusion: The project fostered a more stable and cohesive network. Relationships, emotional support, shared interests, and access to resources contribute to building and strengthening social ties. This, in turn, enhances SC and strengthens trust and collaboration within the network. Comparing pre- and post-project conditions suggests the project's effectiveness in fostering inter-village relations. Improved communication and collaboration hinge on enhanced SC, which also promotes inclusion. By providing

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1403.18.1.10.6]

integrated management indicators, this research empowers managers and planners for more effective interventions.

Cite this article: Naderi, A., M. Yazdanparast, M. Ghorbani, L. Avazpour, 2024. Analyzing Structural Characteristics of Social Capital for Landscape-Community Based Management: A Case Study in Ghaleganj County. Journal of Rangeland, 18(1): 72-84.

© The Author(s).
DOR: 20.1001.1.20080891.1403.18.1.10.6
Publisher: Iranian Society for Range Management

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1403.18.1.10.6]

مـــرتـــع

شاپا چاپی: ۰۸۹۱-۲۰۰۸

شاپا الکترونیکی: ۵۰۳۹-۲۶۷۶

تحلیل خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی در راستای مدیریت اجتماع محور سرزمین (مطالعه موردی: شهرستان قلعه گنج)

احمد نادری[۱]، مریم یزدان پرست[۲]، مهدی قربانی*[۳]، لیلا عوض پور[۴]

۱. دانشیار گروه انسان شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. پژوهشگر موسسه کسب و کار اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. نویسنده مسئول، استاد گروه احیا مناطق خشک و کوهستانی دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران، البرز، ایران. رایان‌نامه: mehghorbani@ut.ac.ir

۴. استادیار دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله کامل – پژوهشی

۱۴۰۳؛ جلد ۱۸، شماره ۱

تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۷/۱۰
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۷

واژه‌های کلیدی:
سرمایه اجتماعی،
توانمندسازی،
توسعه پایدار،
تحلیل شبکه های اجتماعی،
قلعه گنج.

چکیده

سابقه و هدف: ظرفیت سازی و توانمندسازی اجتماعی روستاییان پیش شرط توسعه پایدار است. زیرا شناخت و بهبود سرمایه اجتماعی روستاییان، تسهیل‌کننده روند برنامه ریزی برای توسعه پایدار روستایی توسط متخصصان است و مشارکت روستاییان را در اجرای بهتر برنامـه بـه همـراه دارد. بنابراین برای استفاده بهینه از امکانات موجود در یک منطقه باید با افزایش سرمایه اجتماعی، آموزش و آشنایی مردم با نقش مهم آنها در آبادانی آن منطقه، مردم را توانمند کرد. لذا هدف از پژوهش حاضر تحلیل خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی در راستای مدیریت اجتماع محور در روستاهای دستجرد، دازوک و سهرانی در شهرستان قلعه گنج می‌باشد که با استفاده از روش تحلیل شبکه اجتماعی، در دو مرحله قبل و بعد از اجرای این پروژه مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است.

مواد و روش: جهت تحلیل عملکرد پروژه توان افزایی جوامع محلی شهرستان قلعه گنج و تحلیل خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی از رویکرد تحلیل شبکه‌های اجتماعی در دو مرحله و بازه زمانی قبل و بعد از اجرای پروژه توان افزایی جوامع محلی استفاده شده است. در این پژوهش شاخص‌های سطح کلان شبکه اجتماعی (تراکم، دوسویگی، انتقال یافتگی و میانگین فاصله ژئودزیک) مورد بررسی قرار گرفته اند. به منظور ارزیابی ویژگی های شبکه، از یک پرسشنامه ساختاریافته برای جمع آوری داده ها در مناطق مورد مطالعه استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق شامل ۲۶۲ نفر از اعضای صندوق‌های خرد محلی در سه روستای دستجرد، دازوک و سهرانی است که به صورت شبکه کامل مورد پرسش قرار گرفته اند.

نتایج: شاخص تراکم در تمامی روستاهای مورد مطالعه و در دو پیوند اعتماد و مشارکت پس از اجرای طرح توانمندسازی افزایش یافته است شاخص دوسویگی نیز در مرحله دوم مطالعه نسبت به مرحله قبل از پروژه در روستاهای مورد مطالعه افزایش داشته است. این افزایش نشان می‌دهد که روابط متقابل بین اعضای صندوق‌های محلی افزایش یافته است. در نتیجه، سرمایه اجتماعی آنها را بهبود می بخشد و آنها را قادر می سازد تا در صندوق توسعه محلی همکاری کنند و از مزایایی بهره‌مند شوند که منجر به توانمندسازی بیشتر آنها می گردد. نتایج شاخص انتقال یافتگی نشان می‌دهد که در حال حاضر پیوند مشارکت در صندوق محلی سطح بالاتری از ثبات را تجربه می‌کند که در نتیجه می‌تواند تاب آوری آنها را در مواجهه با بحران‌های اقتصادی و محیط زیست

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1403.18.1.10.6]

بهبود بخشد. نتایج شاخص میانگین فاصله ژئودزیک نیز نشان می‌دهد که پس از اجرای این پروژه، وحدت و هماهنگی بین ذینفعان افزایش یافته که در نتیجه می‌تواند باعث تسهیل و افزایش فعالیت‌های تعاونی و در نهایت ارتقای تاب‌آوری و توانمندسازی آنها شود.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که پس از اجرای پروژه، شبکه پایدارتر و منسجم‌تری در بین افراد شکل گرفته است. این نتایج تایید می‌کند که وجود روابط و حمایت عاطفی، علایق شخصی و همچنین دریافت خدمات و منابع مختلف منجر به ایجاد و افزایش روابط متقابل بین بازیگران می‌شود. این به نوبه خود منجر به افزایش سرمایه اجتماعی و در نتیجه ثبات اعتماد و مشارکت ها در شبکه می‌شود. با مقایسه شرایط قبل و بعد از پروژه می‌توان ادعا کرد که این طرح در حمایت از روابط بین روستاها عملی بوده است. ارتباط و همکاری بهتر به بهبود سرمایه اجتماعی بستگی دارد که محرومیت را نیز کاهش می‌دهد. بنابراین مدیران و برنامه‌ریزان می‌توانند با در دسترس قرار دادن شاخص‌های مرتبط با مدیریت مشترک یکپارچه، مدیریت مؤثرتری را انجام دهند.

استناد: نادری، ا.، م. یزدان پرست، م. قربانی، ل. عوض پور، ۱۴۰۳. تحلیل خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی در راستای مدیریت اجتماع محور سرزمین (مطالعه موردی: شهرستان قلعه گنج). مرتع، ۱۷(۱): ۷۲-۸۴.

DOR: 20.1001.1.20080891.1403.18.1.10.6

ناشر: انجمن علمی مرتعداری ایران

© نویسندگان

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1403.18.1.10.6]

مقدمه

جامعه جهانی به طور فزاینده ای در حال بحث در مورد پارادایم جدیدی از توسعه پایدار مبتنی بر رشد اقتصادی فراگیر است که اهداف را از افزایش تولید ناخالص داخلی به مفهوم رفاه انسانی به معنای وسیع تغییر می‌دهد (۲۳). در این راستا یکی از نکات محوری در پارادایم جدید توسعه روستایی، مفهوم سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی در جامعه شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی مورد توجه فزاینده ای قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی منعکس‌کننده ارزش‌های ارتباط اجتماعی است (۵). بوشر (۲۰۰۷) استدلال کرد که سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک استراتژی بقا در سطح جامعه عمل می کند و به جامعه کمک می کند آسیب‌پذیری خود را کاهش دهد. در واقع، سرمایه اجتماعی سرمایه‌گذاری در ارتباطات اجتماعی است که می‌تواند کارایی شبکه‌های اجتماعی را افزایش دهد. در واقع سرمایه اجتماعی به افرادی اطلاق می‌شود که می‌توانند روابط بهتری با دیگران داشته باشند (۹). سرمایه اجتماعی نقش بسزایی در توانمندسازی جوامع روستایی در زمینه مدیریت و پاسخگویی به فشارهای اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی و تلاش برای تضمین توسعه روستایی ایفا می کند و تقویت آن باعث افزایش مشارکت و ارتباط با سایرین می‌شود. (۲۰). به عقیده بوردیو (۱۹۸۶)، سرمایه اجتماعی یک منبع بالقوه یا بالفعل است که از شبکه‌ای از روابط پایدار تشکیل شده است. پاتنام (۱۹۹۳) معتقد است که شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد از ویژگی‌های سازمان اجتماعی هستند و این نوع سرمایه اجتماعی می‌تواند اقدامات هماهنگ را تسهیل کرده و کارایی جامعه را افزایش دهد. لذا مردم جوامعی که از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردارند می‌توانند برای رسیدن به اهداف توسعه همکاری کنند و این مشارکت و همبستگی هزینه‌های دستیابی به اهداف و برنامه‌های توسعه را کاهش می‌دهد مفهوم سرمایه اجتماعی که توسط بوردیو (۱۹۸۶) و پاتنام (۱۹۹۳) مطرح شده است، بر مزایایی که افراد به واسطه مشارکت آنها در گروه‌ها به دست می‌آورند، متمرکز است. سرمایه اجتماعی در ساختار شبکه‌های روابط اجتماعی وجود دارد (۱۰) و منافعی را هم برای افراد و هم برای جمع به ارمغان می‌آورد (۱۹). پژوهش کوسوماستوتی (۲۰۱۶) سرمایه اجتماعی را به‌عنوان عنصری نشان می‌دهد که در ایجاد کنش جمعی برای زنده ماندن از بحران‌ها نقش دارد. وجود سرمایه اجتماعی در جوامع روستایی به هنجارهای اجتماعی، اعتماد و شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد که می‌تواند اقدام جمعی را برای پاسخ به بحران ها تسهیل کند.

بر اساس نظریه کلمن (۱۹۸۸)، سرمایه اجتماعی با عملکرد خود تعریف می‌شود، از طریق تغییر در روابط بین افراد و تسهیل عمل ایجاد می‌شود. سرمایه اجتماعی مولد است و دستیابی به اهداف خاصی را ممکن می‌سازد که در غیاب آن امکان‌پذیر نخواهد بود. مانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی به طور کامل قابل تعویض نیست اما ممکن است مختص فعالیت‌های خاصی باشد. بوردیو (۱۹۸۶) استدلال می‌کند که سرمایه اجتماعی به طور یکسان برای همه اعضای یک گروه در دسترس نیست، اما برای کسانی که برای دستیابی به موقعیت‌های قدرت و توسعه تلاش می‌کنند، آن را به‌دست آورند. همچنین او استدلال می کند که سرمایه اجتماعی از طریق مزایای ناشی از شبکه‌های اجتماعی تعریف می‌شود، اما منشأ سرمایه اجتماعی از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نشات می‌گیرد که قدرت و موقعیت متفاوتی را برای افراد خاص و نه دیگران ایجاد می‌کند. بنابراین سرمایه اجتماعی آنقدر در مورد داشتن شبکه اجتماعی بزرگ نیست بلکه داشتن موقعیت اجتماعی است که پتانسیل استفاده از شبکه اجتماعی را ایجاد می کند. با این تعاریف، شرط اساسی پیشرفت هر جامعه، به‌ویژه جوامع روستایی، توسعه مشارکت اجتماعی و از همه مهم‌تر اعتماد متقابل مردم است (۴). عدم اعتماد و همکاری بین مردم منجر به طرد اجتماعی افراد و کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود. به عبارت دیگر، هر کسی که فعالانه مشارکت نداشته باشد، نتواند از فرصت‌هایی که در جامعه برایش پیش می‌آید استفاده کند و به نوعی منزوی شود، دچار طرد اجتماعی شده است (۱۱). همچنین محرومیت اجتماعی موجب فقدان نسبی پاداش‌های اجتماعی مانند منزلت، قدرت، موقعیت اجتماعی و فرصت‌های مشارکت در فعالیت‌ها و سازمان‌های مختلف می‌شود. به طور کلی محرومیت و طرد اجتماعی منجر به جدا شدن ارتباط افراد با شبکه‌های اجتماعی و در نتیجه کاهش سرمایه اجتماعی آنها می‌شود (۱۲). بنابراین عدم

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1403.18.1.10.6]

اعتماد و مشارکت مردم در شبکه های اجتماعی منجر به کاهش سرمایه اجتماعی و انسجام در بین جوامع می‌شود. این امر باعث می‌شود افرادی که با سایر افراد جامعه ارتباط برقرار نمی‌کنند در حاشیه شبکه قرار بگیرند و به این ترتیب نابرابری اجتماعی رخ می‌دهد. نابرابری‌های اجتماعی به معنای عدم دسترسی گروه خاصی از مردم به فرصت‌ها و حقوق اجتماعی است که ناشی از انباشت شرایط نامطلوب ناشی از موانع اجتماعی است که در نهایت منجر به از هم پاشیدگی جامعه می‌شود (۳). نتیجه آن تضعیف انسجام اجتماعی و از هم گسیختگی جامعه، افزایش درگیری ها و تنش‌های فردی و جمعی، کاهش مشارکت، افزایش هزینه‌های کنترل اجتماعی و کاهش کارایی نظام اجتماعی است (۲۶).

بنابراین، ارزیابی رویکردهای سرمایه اجتماعی بر اعتمادسازی در ایجاد شبکه‌های اجتماعی بین مدیران، جوامع، محققان و سیاست‌گذاران برای همکاری و یادگیری از طریق پیچیدگی و تغییر متکی است. تغییر در ارزش‌های اجتماعی یا بحران‌های منابع ممکن است منجر به اصلاح سیستم‌های اجتماعی-محیطی در پاسخ به شکست‌های سیاستی شود (۲۳ و ۳۵). به گفته وسترینک و همکاران (۲۰۱۷)، مفهوم سرمایه اجتماعی نیاز به توجه بیشتری به طراحی نظری و تسهیل برای بحث های موجود در مورد فشار بین توسعه پایدار، توانمندسازی و جوامع روستایی دارد. در نتیجه، این مطالعه سرمایه اجتماعی را به‌عنوان یک پیش نیاز برای توانمندسازی جامعه روستایی از طریق مدیریت مشترک مورد بحث قرار می‌دهد.

براین اساس، هدف از پژوهش حاضر تحلیل خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی در راستای مدیریت اجتماع محور در شهرستان قلعه گنج است. به عبارتی در این پژوهش خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی در شبکه اعضای صندوق‌های اعتباری خرد توسعه روستاهای دستجرد، دازوک و سهرانی در شهرستان قلعه گنج که تحت پوشش پروژه توان افزایی جوامع محلی می باشند با استفاده از روش تحلیل شبکه اجتماعی، در دو مرحله قبل و بعد از اجرای این پروژه مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است.

مواد و روش‌ها

این پژوهش از نظر ماهیت از نوع تحقیقات پیمایشی است. براساس هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی و داده‌های این پژوهش به صورت میدانی گردآوری گردیده است.

منطقه مورد مطالعه

این پژوهش در شهرستان قلعه گنج واقع در استان کرمان در جنوب شرقی ایران انجام شده است (شکل ۱). این شهرستان در ۷۰ کیلومتری جنوب کهنوج قرار دارد. بر اساس آخرین سرشماری جمعیت آن حدود ۷۷۰۰۰ نفر است. این شهرستان دارای دو بخش عمده شامل بخش مرکزی و بخش دادخدا چاه است.

به علت نبود معادن و کارخانجات و مراکز مهم اقتصادی در این شهرستان اکثر مردم کشاورز هستند و محصولات آنها شامل گندم، جو، کنجد، مرکبات و خرما است و سایر افراد دامدار هستند (۱۸). آب و هوای قلعه گنج گرم و نیمه مرطوب است و دمای هوا در تابستان به بالای ۵۲ درجه سانتی گراد می رسد. در تابستان به‌دلیل بادهای موسمی اقیانوس هند و باران‌های سیل آسا همراه با تگرگ شدید، بارندگی‌های کمی دارد. همچنین گاهی بادهای تابستانی به صورت طوفان شن می‌وزد.

با توجه به شرایط اقتصادی و محیطی حاکم بر منطقه، پروژه توانمندسازی جوامع محلی در این منطقه با هدف نهادینه‌سازی و ظرفیت‌سازی در میان روستاییان انجام شد. که توانمندسازی و همکاری آنها در مدیریت منابع طبیعی و همچنین توانمندسازی جوامع روستایی را برای بهبود معیشت و استانداردهای زندگی آنها ممکن می‌سازد. در واقع ایجاد صندوق‌های اعتباری خرد با رویکرد تامین مالی خرد بر اساس زنجیره ارزش تولید و حمایت از اشتغال پایدار با هدف افزایش درآمد جامعه روستایی، حمایت از کارآفرینان جهت توسعه اقتصاد محلی و کاهش فشار بر منابع طبیعی و الگوسازی برای پیشرفت همه جانبه و آبادانی شهرستان با تکیه بر مردم، در این زمینه شکل گرفته است. تقویت سرمایه انسانی، خلاقیت، کارآفرینی، توسعه مهارت ها و آموزش جامعه محلی، ایجاد کلینیک های تجاری و ارائه مشاوره به جامعه هدف بر اساس خدمات و مزایای محلی، اجرای اصول تاب‌آوری با تاکید بر پایداری خدمات اکوسیستمی در یک سیستم اجتماعی - اکولوژیکی، ارتقای

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1403.18.1.10.6]

خودباوری و خوداتکایی، حفظ کرامت روستاییان و تثبیت جمعیت روستایی از دیگر مزایای این پروژه است (۱۳). لذا در این پژوهش سه روستا (دستجرد، دازوک و سهرانی) به‌عنوان جامعه هدف برای ارزیابی سرمایه اجتماعی و تحلیل شبکه اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفتند.

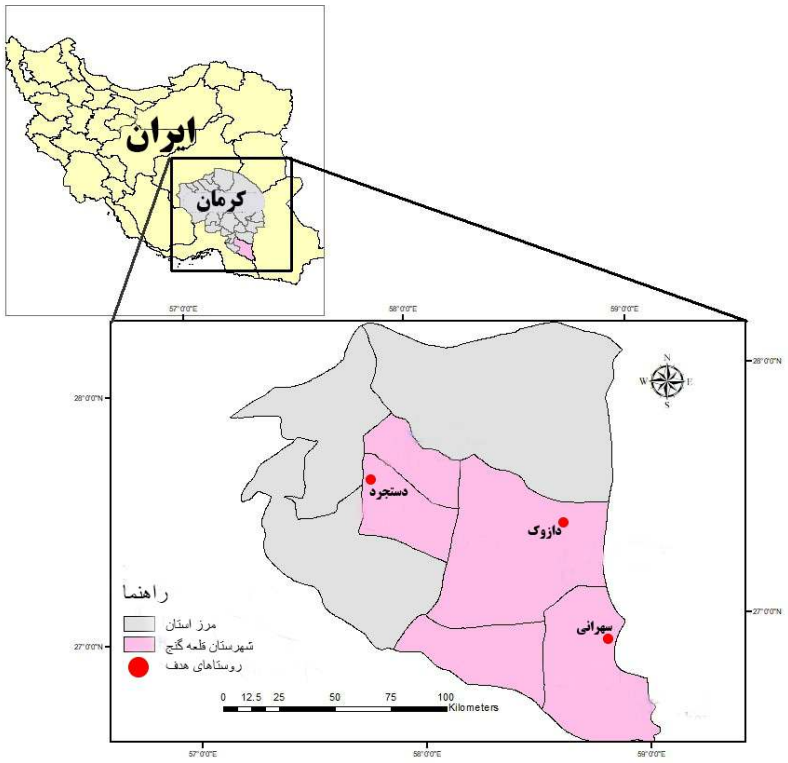

شکل ۱: موقعیت روستاهای هدف در محدوده مطالعاتی

روش کار

الف) تحلیل شبکه اجتماعی (SNA)

SNA که یکی از پرکاربردترین و قابل اعتمادترین روش‌ها با توجه به دشواری اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی است که به‌عنوان روشی مبتنی بر روابط بین واحدهای تعاملی و متقابل تعریف می‌شود (۲۸). به عبارتی، روش تحلیل شبکه‌ای براساس شاخص‌ها و معیارهای کمی قادر است روابط اجتماعی بین افراد را در قالب ساختاری شبکه‌ای، نمایش دهد. یکی از مزیت‌های اصلی آن این است که دیدگاه‌های کل نگر و شخصی را در کنار هم قرار می‌دهد. در واقع مسئله اصلی در نمای شبکه‌ای روابط است. این تکنیک به محققان در تجزیه و تحلیل تعامل بین افراد و محیط آنها از طریق ارزیابی ارتباطات بین فردی و تأثیر این پیوندها بر بهره‌وری سرمایه انسانی کمک می کند (۱۴ و ۱۵). در این راستا، در پژوهش حاضر به جهت تحلیل و ارزیابی هر چه دقیق تر عملکرد پروژه توان‌افزایی جوامع محلی شهرستان قلعه گنج و جهت تحلیل روابط فی‌مابین ذینفعان محلی (اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی) از رویکرد SNA در دو مرحله و بازه زمانی (قبل از جمع‌آوری اولین پس‌انداز و راه‌اندازی صندوق‌های آبادانی و پیشرفت روستایی و بعد از اجرای پروژه توان افزایی جوامع محلی) استفاده شده است. لذا شاخص‌های سطح کلان شبکه اجتماعی مورد بررسی در این پژوهش مطابق جدول (۱) هستند.

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1403.18.1.10.6]

جدول ۱: شاخص‌های تحلیل شبکه اجتماعی مورد استفاده در پژوهش

شاخص	توضیحات
تراکم	تعداد اتصالات درون یک شبکه را مشخص می کند که با تعداد پیوندهای احتمالی تخمین زده می‌شود. تراکم بر روابط مستقیم بین بازیگران در یک شبکه اجتماعی تاکید دارد. تراکم و انسجام بالا می‌تواند باعث افزایش اعتماد و در نتیجه افزایش سرمایه اجتماعی شود. در این صورت احساس مسئولیت برای نظارت و کنترل اجتماعی نیز افزایش می یابد (۱۴، ۱۶ و ۲۱).
دوسویگی	ثبات و درجه تعامل در یک شبکه از روابط را می‌توان با استفاده از این شاخص تعیین کرد (۲۵). مقدار بالاتر این شاخص نشان دهنده سطوح بیشتر تعامل و همکاری بین بازیگران در شبکه است که در نهایت به پایداری آن کمک می کند. نتایج این شاخص در مقیاس ۰-۱۰۰٪ ارائه شده است که مقادیر بالاتر نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری بیشتر شبکه در برابر تغییرات و تنش‌های محیطی است (۱).
انتقال یافتگی	شاخص انتقال پذیری بر اساس اشتراک پیوندها بین سه بازیگر است که در آن یکی به‌عنوان پلی بین دو بازیگر دیگر عمل می کند. اساساً، اگر بازیگر «الف» با بازیگر «ب» و «ب» با بازیگر «ج» ارتباط داشته باشد، «الف» به طور بالقوه می‌تواند با «ج» پیوند برقرار کند. این معیار تعداد بازیگران قابل انتقال در یک شبکه را می سنجد که با نرخ های بالاتر ثبات و پایداری در روابط بین بازیگران مطابقت دارد (۲۸). این شاخص همچنین به‌عنوان معیاری برای ارزیابی تعادل در شبکه ها عمل می کند و به صورت درصد یا مقداری از صفر تا یک ارائه می‌شود (۶).
میانگین فاصله ژئودزیک	کوتاه ترین فاصله بین دو بازیگر، فاصله اجتماعی بین دو نفر است که با کمترین تعداد واسطه بین یک نفر و افراد دیگر در شبکه اندازه گیری می‌شود. از طریق این تحلیل می‌توان طول مسیر پیوندهای مورد مطالعه بین دو بازیگر را در کوتاه ترین زمان ممکن شناسایی کرد و میانگین سرعت چرخش پیوندهای مورد مطالعه را نیز اندازه گیری کرد (۶). بنابراین، فواصل با اندازه‌گیری‌های ژئودزیکی پایین، میزان زیاد جریان اطلاعات بین دو بازیگر را نشان می‌دهد (۱۵).

ب) جمع‌آوری داده ها

به منظور ارزیابی ویژگی های شبکه، از یک پرسشنامه ساختاریافته برای جمع‌آوری داده‌ها در مناطق مورد مطالعه استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق شامل ۲۶۲ نفر از اعضای صندوق‌های خرد محلی در سه روستای دستجرد، دازوک و سهرانی است که به صورت شبکه کامل مورد پرسش قرار گرفته اند. روش شبکه کامل به گونه ای است که داده‌های تجربی پژوهش از مصاحبه مستقیم با تمام اعضای صندوق‌های خرد اعتباری در روستاهای هدف جمع‌آوری شده است (۱۷). پیوندهای اعتماد و مشارکت با استفاده از سؤالات بسته در مقیاس لیکرت از ۰ تا ۵ ارزیابی گردید. روایی پرسشنامه با استفاده از دیدگاه‌ها و پیشنهادات کارشناسان و اعضای هیئت علمی رشته‌های ترویج و توسعه روستایی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران به دست آمد. برای برآورد پایایی ابزار پژوهش با انجام مطالعه مقدماتی (۳۰ پرسشنامه خارج از جامعه اصلی) ضریب آلفای کرونباخ برای شاخص‌های مورد نظر محاسبه و معادل ۰/۹۳ به‌دست آمد.

نتایج

تحلیل شاخص‌های سطح کلان شبکه در روستاهای مورد مطالعه

جهت تحلیل عملکرد پروژه توان افزایی جوامع محلی شهرستان قلعه گنج و تحلیل خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی شاخص‌های سطح کلان شبکه در روستاهای مورد مطالعه در دو مرحله قبل و بعد از اجرای پروژه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

۱- تراکم

بر اساس جدول (۲)، شاخص تراکم در تمامی روستاهای مورد مطالعه و در دو پیوند اعتماد و مشارکت پس از اجرای طرح توانمندسازی افزایش یافته است و بیشترین تراکم مربوط به پیوند اعتماد روستای سهرانی (۹۴/۵) است. بیشترین میزان اختلاف قبل و بعد از اجرای این پروژه مربوط به پیوند مشارکت روستای دازوک است که به‌ترتیب قبل و بعد از اجرای پروژه ۱۸/۸ و ۸۱/۶ بوده است. به طور خلاصه، دسترسی بیشتر به سرمایه اجتماعی (یعنی روابط قوی‌تر و ضعیف‌تر و سطوح بالاتر اعتماد، تعامل و مشارکت در جامعه) توانایی فرد را بهبود می‌بخشد. افزایش این شاخص باعث پایداری شبکه‌ها می‌شود.

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1403.18.1.10.6]

جدول ۲: شاخص تراکم در پیوندهای اعتماد و مشارکت در روستاهای مورد مطالعه قبل و بعد از اجرای طرح توانمندسازی

روستا	پیوند	مقادیر شاخص تراکم		
		قبل از اجرا پروژه (٪)	بعد از اجرا پروژه (٪)	میزان تغییر (٪)
دستجرد	اعتماد	۲۶/۷	۸۱/۱	۵۴/۴
دازوک		۳۹/۴	۹۰	۵۰/۶
سهرانی		۴۴/۵	۹۴/۵	۵۰
دستجرد	مشارکت	۲۷/۴	۷۹/۱	۵۱/۷
دازوک		۱۸/۸	۸۱/۶	۶۲/۸
سهرانی		۴۴/۸	۸۸/۸	۴۴

۲- دوسویگی

در جدول (۳)، نتایج شاخص دوسویگی در پیوندهای اعتماد و مشارکت در روستاهای مورد مطالعه قبل و بعد از اجرای طرح توانمندسازی نمایش داده شده است. در مجموع نتایج نشان می‌دهد که این شاخص نیز مانند تراکم پس از این پروژه افزایش یافته است. بدین ترتیب می‌توان به این نکته اشاره کرد که به‌طور میانگین در روستاهای مورد مطالعه، شاخص دوسویگی در پیوندهای اعتماد و مشارکت به‌ترتیب حدود ۳۸/۸ درصد و ۴۴/۳ درصد افزایش یافته است.

این افزایش نشان می‌دهد که روابط متقابل بین اعضای صندوق‌های محلی افزایش یافته است. در نتیجه، سرمایه اجتماعی آنها را بهبود می‌بخشد و آنها را قادر می‌سازد تا در صندوق توسعه محلی همکاری کنند و از مزایایی بهره‌مند شوند که منجر به توانمندسازی بیشتر آنها می‌گردد.

جدول ۳: شاخص دوسویگی در پیوند های اعتماد و مشارکت در روستاهای مورد مطالعه قبل و بعد از اجرای طرح توانمندسازی

روستا	پیوند	مقادیر شاخص دوسویگی		
		قبل از اجرا پروژه (٪)	بعد از اجرا پروژه (٪)	میزان تغییر (٪)
دستجرد	اعتماد	۳۵/۸۳	۴۹/۷	۱۳/۸۷
دازوک		۴۰/۲	۸۱/۹۲	۴۱/۷۲
سهرانی		۲۹/۳۹	۹۰/۱۹	۶۰/۸
دستجرد	مشارکت	۳۲/۲۷	۴۹/۲	۱۶/۹۳
دازوک		۱۸/۸	۸۱/۶	۶۲/۸
سهرانی		۲۷/۲۷	۸۰/۴۷	۵۳/۲

۳- انتقال یافتگی

نتایج شاخص انتقال یافتگی در بین افراد مورد مطالعه قبل و بعد از طرح توانمندسازی در جدول (۴) ارائه شده است. بر این اساس، میزان این شاخص در روستای دازوک با ۴۳/۸۹ درصد بیشترین میزان افزایش را نشان می‌دهد. افزایش کلی این شاخص در پیوندهای اعتماد و مشارکت به ترتیب به میزان ۳۵/۷ درصد و ۳۳/۷ درصد نشان می‌دهد که در حال حاضر پیوند مشارکت در صندوق محلی سطح بالاتری از ثبات را تجربه می‌کند که در نتیجه می‌تواند تاب‌آوری آنها را در مواجهه با بحران‌های اقتصادی و زیست محیطی بهبود بخشد.

جدول ۴: شاخص انتقال یافتگی در پیوند های اعتماد و مشارکت در روستاهای مورد مطالعه قبل و بعد از اجرای طرح توانمندسازی

روستا	پیوند	مقادیر شاخص انتقال یافتگی		
		قبل از اجرا پروژه (٪)	بعد از اجرا پروژه (٪)	میزان تغییر (٪)
دستجرد	اعتماد	۳۴/۳۱	۵۷/۳۹	۲۴/۰۸
دازوک		۳۱/۴	۷۵/۲۹	۴۳/۸۹
سهرانی		۴۷	۸۵/۳۷	۳۸/۳۷
دستجرد	مشارکت	۲۶/۹۳	۴۷/۵۳	۲۰/۶
دازوک		۲۱	۶۰/۵۵	۳۹/۵۵
سهرانی		۳۲/۸	۷۳/۷۷	۴۰/۹۷

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1403.18.1.10.6]

۴- میانگین فاصله ژئودزیک

با توجه به جدول (۵) که نتایج شاخص فاصله ژئودزیکی در بین مردم محلی روستاهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد، می‌توان بیان کرد که به طور کلی این شاخص در پیوندهای اعتماد و مشارکت کاهش یافته است. اجرای پروژه توانمندسازی در روستای سهرانی و در پیوند اعتماد با ۰/۸- درصد بیشترین میزان کاهش را نشان می‌دهد. این نتایج نشان می‌دهد که پس از اجرای این پروژه، وحدت و هماهنگی بین ذینفعان افزایش یافته که در نتیجه می‌تواند باعث تسهیل و افزایش فعالیت‌های تعاونی و در نهایت ارتقای تاب‌آوری و توانمندسازی آنها شود.

جدول ۵: شاخص میانگین فاصله ژئودزیک در پیوند های اعتماد و مشارکت در روستاهای مورد مطالعه قبل و بعد از اجرای طرح توانمندسازی

روستا	پیوند	مقادیر شاخص میانگین فاصله ژئودزیک		
		قبل از اجرا پروژه (٪)	بعد از اجرا پروژه (٪)	میزان تغییر (٪)
دستجرد	اعتماد	۱/۸۵	۱/۷۴	-۰/۴۹
دازوک		۱/۷۲	۱/۱	-۰/۶۲
سهرانی		۱/۸۵	۱/۰۵	-۰/۸
دستجرد	مشارکت	۱/۷۴	۱/۳۹	-۰/۳۵
دازوک		۱/۸۱	۱/۱۸	-۰/۶۳
سهرانی		۱/۸۶	۱/۱۱	-۰/۷۵

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مفهوم کلیدی ظرفیت‌سازی و توانمندسازی روستاییان و انجمن‌ها که پیش نیاز توسعه پایدار است. در این پژوهش، عملکرد پروژه توان‌افزایی جوامع محلی شهرستان قلعه گنج مورد پایش و ارزیابی قرار گرفت. بر اساس نتایج به‌دست آمده، شاخص تراکم در تمامی روستاهای مورد مطالعه و در دو پیوند اعتماد و مشارکت پس از اجرای طرح توانمندسازی افزایش یافته است و بیشترین تراکم مربوط به پیوند اعتماد روستای سهرانی (۹۴/۵) است. همچنین شاخص دوسویگی در مرحله دوم مطالعه نسبت به مرحله قبل از پروژه در روستاهای مورد مطالعه افزایش داشته است. بنابراین اجرای طرح توانمندسازی بر روند افزایش شاخص تراکم در پیوندهای اعتماد و مشارکت در شبکه بین اعضا و همچنین افزایش انسجام اجتماعی و سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت داشته است. بنابراین اجرای این پروژه در تقویت سرمایه اجتماعی مبتنی بر اعتماد و مشارکت موثر بوده است. در نتیجه فعالیت‌های جمعی و گروهی در بین افراد افزایش می‌یابد که تأثیر بسیار مثبتی بر مدیریت تعاونی خواهد داشت و منجر به توانمندسازی و توسعه پایدار در این حوزه خواهد شد.

سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی با تراکم رابطه مثبت دارند. به اشتراک گذاری منابع و اطلاعات، همکاری بین ذینفعان و اعتماد با تراکم بالا تسهیل و افزایش می یابد. از این رو، سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی تقویت شده و مدیریت مشترک تسهیل می‌شود. هر چه تراکم شبکه بیشتر باشد، گره های بیشتری در شبکه به هم متصل شده و ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند. لذا در این راستا، بهبود سرمایه اجتماعی روستاییان، تسهیل‌کننده روند برنامه‌ریزی برای توسعه پایدار روستایی توسط متخصصان است و مشارکت روستاییان را در اجرای بهتر برنامـه بـه همـراه دارد. این نتیجه با یافته‌های میری و همکاران (۱۳۹۰) که بیان کردند بین سرمایه اجتماعی و توسعه روستایی رابطه معناداری وجود دارد و تقویت سرمایه اجتماعی در منطقه می‌تواند نقش مهمی در پیشرفت روستا داشته باشد همخوانی دارد. در واقع، تراکم بر روابط مستقیم بین بازیگران در یک شبکه اجتماعی تأکید می‌کند و تراکم و انسجام بالا می‌تواند اعتماد را افزایش دهد و در نتیجه سرمایه اجتماعی را افزایش دهد. در این صورت احساس مسئولیت و مدیریت مشترک برای نظارت و کنترل اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. این یافته‌ها با نتایج مطالعاتی که توسط افراخته و همکاران (۱۳۹۶) و طهماسبی و عسکری بزایه (۲۰۲۱) انجام شده است مطابقت دارد که نشان دادند پس از اجرای طرح، افراد بیشتری به تعاملات اجتماعی پیوستند و از نظر آماری رشد معنی‌داری در تراکم و تمرکز پیوند مشارکت وجود دارد. طهماسبی و عسکری‌بزایه (۲۰۲۱) خاطرنشان کردند که طرح تأمین مالی خرد مشارکت در فعالیت‌های توسعه روستایی و سطح اجتماعی جامعه را به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهد. علاوه بر این، تکنیک‌های تحلیل شبکه اجتماعی به‌عنوان یک ابزار ارزیابی

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1403.18.1.10.6]

موثر برای بررسی تغییرات در سرمایه اجتماعی جامعه استفاده می‌شود.

همچنین نتایج نشان داد که شاخص دوسویگی در مرحله دوم مطالعه نسبت به فاز قبل از پروژه در روستاهای مورد مطالعه افزایش یافته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پس از اجرای پروژه، شبکه پایدارتر و منسجم‌تری در بین افراد شکل گرفته است. این نتایج تایید می‌کند که وجود روابط و حمایت عاطفی، علایق شخصی و همچنین دریافت خدمات و منابع مختلف منجر به ایجاد و افزایش روابط متقابل بین بازیگران می‌شود. این به نوبه خود منجر به افزایش سرمایه اجتماعی و در نتیجه ثبات اعتماد و مشارکت ها در شبکه می‌شود. مطالعات قبلی (۲۷ و ۳۳) نشان داده‌اند که اعتماد، تعامل، همکاری و شبکه‌های گفتگو باعث توانمندسازی افراد می‌شود. علاوه بر این، مطالعه‌ای توسط تورنتون و لیهی (۲۰۱۲) نشان داد که افزایش آماری معنی‌داری در سرمایه اجتماعی و انعطاف پذیری در شبکه‌های اجتماعی پس از همکاری در پروژه‌های توانمندسازی وجود دارد که منجر به افزایش مشارکت جامعه در مدیریت اقتصادی و زیست محیطی می‌شود.

این نتایج همچنین حاکی از آن است که اجرای پروژه می‌تواند تأثیر مثبتی در کاهش شکاف بین سهامداران داشته باشد. در این روستاها اجرای موفقیت‌آمیز پروژه‌ها می‌تواند منجر به اعتمادسازی شود و شرایط مساعدی را برای همکاری روسای صندوق‌های توسعه روستایی فراهم کند تا با ایجاد روابط بیشتر بین اعضا، ساخت و ساز سرمایه اجتماعی نیز افزایش یابد. دسترسی به سایر منابع مالی و انسانی با اجرای سرمایه اجتماعی فراهم می‌شود و طرد اجتماعی کاهش می‌یابد. از منظر جامعه شناسی افزایش مشارکت در جامعه به‌عنوان سیاست یکپارچگی موجب محرومیت‌های اجتماعی کمتری خواهد شد. از آنجایی که پل سرمایه اجتماعی بالاتر با طرد اجتماعی کمتر همراه است، خاطرنشان می‌شود که این پروژه که روابط بین گروهی را افزایش داد، طرد اجتماعی را در مناطق آزمایشی کاهش داد. با توجه به اهمیت پل ارتباطی سرمایه اجتماعی برای کاهش محرومیت، تقویت پیوندهای پل در یک شبکه ضروری است و کانال اصلی ارتباطی روسای صندوق توسعه خرد در این مناطق است. با مقایسه شرایط قبل و بعد از پروژه می‌توان ادعا کرد که این طرح در حمایت از روابط بین روستاها عملی بوده است. ارتباط و همکاری بهتر به بهبود سرمایه اجتماعی بستگی دارد که محرومیت را نیز کاهش می‌دهد. بنابراین مدیران و برنامه‌ریزان می‌توانند با در دسترس قرار دادن شاخص‌های مرتبط با مدیریت مشترک یکپارچه، مدیریت مؤثرتری را انجام دهند.

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1403.18.1.10.6]

References

1. Afkhami, M., M. Ghorbani, B. Zahraee & H. Azadi, 2021. Role of Social Network Measurements in Improving Adaptive Capacity: The Case of Agricultural Water Users in Rural Areas of Western Iran. Journal of Society & Natural Resources, 1338-1357. https://doi.org/10.1080/08941920.2021.1953201
2. Afrakhteh, H., A. Tahmasebi, F. Azizpour & F. Askari, 2017. On the analysis of structural pattern of institutional relations in the governance of agricultural water resources (Case study: Rasht County). Quarterly Journal of the Studies of Human Settlements Planning, 12 (2): 229-247.
3. Avramov, D., 2002, People, Demography, and Social Exclusion, Strasbourg, Belgium: Council of European Publishing.
4. Bhagavatula, S., T. Elfring, A. Tilburg, G. Gerhard & V. Bunt, 2010. How Social and Human Capital Influence Opportunity Recognition and Resource Mobilization in India's Hand loom Industry, Journal of Business Venturing, 25(3): 245-260.
5. Borgatti, SP & PC. Foster, 2003. "The network paradigm in organizational research: a review and typology." Journal of Management 29: 991-1013. http://dx.doi.org/10.1016/S0149-2063(03)00087-4.
6. Borgatti, S.P., M.G. Everett, J.C. Johnson, 2013. In: Seaman, J. (Ed.), Analyzing Social Networks. Sage Publications Ltd, Thousand Oaks, Ca. 384 p
7. Bosher, L., E. Penning-Rowsell & S. Tapsell, 2007. "Resource accessibility and vulnerability in Andhra Pradesh: caste and noncaste influences." Journal of Development and Change 38: 615-640. http://dx.doi.Org /10 .1111/j.1467-7660.2007.00426.x
8. Bourdieu, P., 1986. The forms of capital. In J. Richardson (Ed.), Handbook of theory and research for the sociology of education (pp. 241–258). New York, NY: Greenwood.
9. Burt R., 2003. "The social capital of structural holes." The new economic sociology: developments in an emerging field. Russell Sage Foundation, New York, New York, USA p: 148-189
10. Coleman, J.S., 1988. Social capital in the creation of human capital. American Journal of Sociology, 94: S95–S120.
11. De Haan. A., 2001. Social Exclusion Enriching the Understanding of Deprivation, University of Sussex.
12. Ghaffari G., M. B. Tajedin, 2005. The Enquiry of Social Deprivation Dimensions. Journal of Social welfare; 5 (17) :33-56 URL: http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2113-fa.html
13. Ghorbani, M., 2016. Report of the Project of Analysis and Assessment of the Social-Policy Networks of Grassroots Association, Institutions and Sustainable Development FundsRFLDL Project (Sarayan District- South Khorasan). University of Tehran (In persian).
14. Ghorbani, M. & H. Azadi, 2021. A social-relational approach for analyzing trust and collaboration networks as preconditions for rangeland comanagement. Journal of Rangeland Ecology & Management, 75: 170-184.
15. Ghorbani, M., A. Naderi, K. Janeˇckov´a, P. Skleniˇcka, H. Azadi & F. Witlox, 2021. Sustainable Co-Management of arid regions in southeastern Iran: Social network analysis approach. Journal of Arid Environment. https://doi.org/10.1016/j.jaridenv.2021.104540
16. Hamdan, H., F. Yusof & M. A. Marzukhi, 2014. Social capital and quality of life in urban neighborhoods high density housing. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 153: 169-179.
17. Hanneman, R. A. & M. Riddle, 2005. Introduction to social network methods. California, USA: University of California Riverside.
18. Jeshan Shahriari, N., H. Jalalian, A. Haj Alizadeh & S. Nasire Zare, 2020. Rural Women's Commenton the Impact of the Qale Ganj Local Community Empowerment Plan on Women's Empowerment (Case of Sorkh Qale Township). Journal of Rural Development Strategies, 7(3): 287-301.
19. Jones, S., 2005. Community-based ecotourism: The significance of social capital. Journal of Annals of Tourism Research, 32(2): 303– 324.
20. Jordan, J. L., B. Anil & A. Munasib, 2010. Community development and local social capital. Journal of Agricultural and Applied Economics, 42(1): 143-159.
21. Koohsari, M. J., T. Nakaya, G. R. McCormack, A. Shibata, K. Ishii, A. Yasunaga, ... & K. Oka, 2021. Traditional and novel walkable built environment metrics and social capital. Journal of Landscape and Urban Planning, 214, 104184. https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2021.104184
22. Kusumastuti, A., 2016. Modal Sosial dan Mekanisme Adaptasi Masyarakat Pedesaan dalam Pengelolaan dan Pembangunan Infrastruktur. MASYARAKAT Journal of Sosiology, 20: 81–97.
23. Lidskog, R., A. Standring & M. White, 2022. Environmental expertise for social transformation: roles and responsibilities for social science, Journal of Environmental Sociology, https://doi.org/10.1080/23251042.2022.2048237
24. Miri, G., J. Javan, H. Afrakhteh, S. Velayati & H. Shayan, 2010. The role of social capital in rural development (Case study: Sistan Backspace). Journal of Geography and Regional Development, 8 (14): 29-49. (In Persian).

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1403.18.1.10.6]

25. Moghfeli, Z., M. Ghorbani, M. R. Rezvani, M. A. Khorasani, H. Azadi & J. Scheffran, 2022. Social capital and farmers' leadership in Iranian rural communities: Application of social network analysis. Journal of Environmental Planning and Management, 66(5): 977-1001.
26. Motevasseli, M., & H. Zobeiri, 2013. Social Cohesion; Origins of Economic Development. Journal of *Community Development (Rural and Urban Communities)*, 5(2): 49-74. doi: 10.22059/jrd.2013.50584
27. Pan, W., C. Shen, & B. Feng, 2017. You get what you give: understanding reply reciprocity and social capital in online health support forums. Journal of health communicat, 22(1): 45-52.
28. Phan, C. T., S. Sun, Z. Y. Zhou & R. Beg, 2020. Does microcredit improve rural households' social network? Evidence from Vietnam. Journal of Development Studies, 56(10): 1947-1963.
29. Putnam, R., 1993. Making democracy work: Civic traditions in modern Italy. Princeton, NJ: Princeton University Press.
30. Rahimi, M, M. Ghorbani, H. Azadi, 2022. Structural characteristics of governmental and non-governmental institutions network: case of water governance system in Kor River basin in Iran. Journal of Environment, Development and Sustainability, https://doi.org/10.1007/s10668-022-02346-y.
31. Scott, M., M. Balaev & B. Clarke, 2017. Political embeddedness in environmental contexts: the intersections of social networks and planning institutions in coastal land use, Journal of Environmental Sociology, 4(2): 286-298, DOI: 10.1080/23251042.2017.1374232
32. Tahmasebi, A., & F. Askaribezayeh, 2021. Microfinance and social capital formation-a social network analysis approach. Journal of Socio-Economic Planning Sci, 76: 100978.
33. Thornton, T., & J. Leahy, 2012. Changes in social capital and networks: a study of community-based environmental management through a school-centered research program. Journal of Science Education and Technology, 21(1): 167-182.
34. Westerink, J., P. Opdam, S. Van Rooij & E. Steingröver, 2017. Landscape services as boundary concept in landscape governance: Building social capital in collaboration and adapting the landscape. Journal of Land Use Policy, 60: 408-418.
35. Williams, T., J. McCall, M. Berner & A. Brown-Graham, 2021. Beyond bridging and bonding: the role of social capital in organizations. Journal of Community Development, 57(4): 769-792. https://doi.org/10.1093/cdj/bsab025.

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1403.18.1.10.6]